

تصمیمات قضائی

پرونده ۲۶۹۰/۱

فرجامخواهان ۱ - حسن فرزند علی اکبر شهرت..... ۲۵ ساله ساکن شیراز ۲ دادرسی استان هفتم

فرجامخواندگان دادرسی استان هفتم ۲ - حسن فرزند علی اکبر.

فرجامخواسته دادنامه شماره ۶/۵/۱۷/۵۱/۵ شعبه ۱ دادگاه جنائی

استان هفتم.

جریان کار - بازپرس شیراز قرار بزهکاری حسن... را باتهام نگاهداری مقدار ۲۴ گرم سوخته و ۵۲ گرم تریاک موضوع صورت مجلس مورخ ۲۳/۱/۴۰ صادر و دادیار دادرسی شهرستان شیراز بشرح کیفرخواست مورخ ۳۱/۳/۴۰ باستناد قسمت اخیر ماده ۷ قانون منع کشت خشخاش نگاهداری و حمل مواد افیونی درخواست تعیین کیفر او را از دادگاه جنائی استان هفتم مینماید و دادیار تنظیم کننده کیفرخواست مورخ ۳۱/۳/۴۰ در مقدمه آن اشاره به کیفرخواست شماره ۴/۳۹۶/۴۰ دادگاه جنحه کرده و رعایت ماده ۲ الحاقی بقانون اصول دادگستری کیفری را درباره او یادآور شده و بعلاوه از لحاظ داشتن یک فقره سابقه محکومیت کیفری مؤثر اجرای ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی را لازم دانسته است شعبه ۲ دادگاه جنائی با انجام تشریفات قانونی در جلسه مقدماتی دستور تکمیل پرونده را به بازپرس داده و در جلسه مقدماتی دیگر قرار رسیدگی صادر و سپس در جلسه علنی دادرسی را انجام و اکثریت دادرسان دادگاه متهم را از بزه حمل مواد افیونی تبرئه کرده و اتهام او را به نگاهداری ۲۴ گرم سوخته و ۵۲ گرم تریاک محرز دانسته و با توجه بماده ۲۲ قانون منع کشت خشخاش باستناد بند ۳ از ماده ۹ آئین نامه اجرائی قانون منع کشت خشخاش مصوب آبانماه ۱۳۳۴ و رعایت ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی و ماده ۵۰ مکرر قانون اخیرالذکر حسن متهم را به پنج ماه حبس تأدیبی و تأدیه مبلغ ۲۶۰۰ ریال جزای نقدی بقرار هر گرم پنجاه ریال محکوم و نسبت با اجرای ماده ۲ الحاقی بقانون اصول دادگستری کیفری اظهار

نظر کرده که از جهت مطرح بودن پرونده اتهامی دیگر او در شعبه ۳ دادگاه شهرستان واینکه پرونده مزبور در دادگاه جنائی مورد رسیدگی قرار نگرفته موردی برای اعمال ماده مزبور بنظر نمیرسد. متهم نسبت به محکومیت خود و دادسرای استان هفتم بلحاظ اینکه رأی دادگاه که باستناد بند ۳ ماده ۹ آئین نامه اجرائی قانون منع کشت خشخاش صادر شده صحیح نمیباشد فرجامخواسته و شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور چنین رأی داده است (اعتراض دادستان استان بر حکم فرجام خواسته وارد میباشد زیرا باتوجه به تاریخ کشف مواد افیونی بزه منتسب به متهم بر فرض صحت با ماده ۷ اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک منطبق بوده و استفاده و استناد دادگاه جنائی بشق ۳ از ماده ۹ آئین نامه اجرائی قانونی منع کشت خشخاش صحیح نمیباشد بنا بر این حکم فرجامخواسته که از این حیث مخدوش بنظر میرسد بدستور ماده ۳۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری نقض و رسیدگی با اجازه حاصل از ماده ۸ قانون راجع بمحاکم جنائی بدادگاه جنائی استان هفتم ارجاع میگردد) و شعبه ۱ دادگاه جنائی استان هفتم با انجام تشریفات قانونی و صدور قرار رسیدگی در جلسه مقدماتی سه نفری دادرسی را در جلسه علنی انجام و بزه او را نگاهداری مواد افیونی دانسته و باستناد قسمت اخیر بند ۳ ماده ۹ آئین نامه اجرائی قانون منع کشت خشخاش و رعایت مواد ۲۵ و ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی متهم را به پنج ماه حبس تأدیبی و پرداخت مبلغ ۲۶۰۰ ریال غرامت محکوم و نسبت باتهام دیگر او که در کیفرخواست اشاره بماده ۲ الحاقی بقانون اصول دادرسی کیفری شده دادرسان دادگاه اظهار نظر کرده اند که چون مسائل مرجوع منحصر بهمان مسائلی است که مورد نقض تمیزی قرار گرفته موجبی جهت اظهار نظر نیست. حسن راجع بمحکومیت خود و دادسرای استان هفتم از قسمت اینکه دادگاه جنائی باستناد ماده ۷ قانون منع کشت خشخاش برای متهم تعیین کیفر نکرده رسیدگی فرجامی را خواستار و پرونده باین شعبه ارجاع شده است .

هیئت شعبه در تاریخ فوق تشکیل پس از قرائت گزارش آقای مقدم و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای رهبری دادیار دیوان کشور مبنی بر اصراری بودن پرونده مشاوره نموده چنین رأی میدهند .

رای اصراری تشخیص و پرونده برای اتخاذ تصمیم به هیئت عمومی دیوان کشور ارسال میگردد .

بتاریخ چهارشنبه پانزدهم دیماه ۱۳۴۴ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمدروری رئیس کل دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی دادستان کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان مزبور تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل مبنی بر نقض رأی فرجامخواسته مشاوره نمود چنین رأی میدهند .

چون منطوق و مفهوم نگهداری و مخفی کردن با یکدیگر متفاوت و ازهم متمایز است و مدلول ماده ۱۴ قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی مصوب تیرماه ۱۳۳۸ نیز مؤید این معنی و دستور بند سه ماده ۹ آئین نامه اجرائی و طرز مجازات متخلفین از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب آبانماه ۱۳۳۴ که مغایرتی با مقررات قانون مؤخر ندارد بحکم ماده ۲۲ قانون مزبور بقوت قانونی خود باقی بوده و بموجب رأی وحدت رویه قضائی شماره ردیف ۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که لازم الاتباع است اعتراض آقای دادستان استان و همچنین اظهار فرجامخواه به بیگناهی خود ماهوی و ایراد و خدشه بنظر و استنباط دادگاه است که قانوناً در مرحله فرجامی قابل رسیدگی نمیشود و از حیت رعایت اصول و قوانین دادرسی و جهات دیگر نیز اشکال موجب نقض بنظر نمیرسد حکم فرجامخواسته با کثرت آراء ابرام میشود .

* * *

ردیف ۱۹ هیئت عمومی

پرونده ۳۸۰۰/۱۰

فرجامخواه اداره دارائی شهرستان مشهد نمایندگی قضائی آقای محمد
فرجامخوانده اداره تصفیه و امور ورشکستگی شهرستان مشهد قائم مقام
قانونی آقای احمد

فرجامخواسته دادنامه شماره ۱/۶/۱۹/۷/۳۴ صادر از شعبه ۲ استان نهم

تاریخ ابلاغ دادنامه فرجامخواسته ۱/۹/۳۴

تاریخ تقدیم دادخواست فرجامی . ۳/۹/۱۰

جریان کار - در تاریخ ۲۱/۷/۴۲ آقای محمد . . بنمایندگی از طرف اداره دارائی مشهد دادخواستی بخواسته مبلغ ۱۷۸۱۵۲ ریال بابت مطالبات دولت و منظور نمودن در صورت بستانکاران آقای احمد . . . بطرفیت اداره تصفیه ورشکستگی مشهد بدادگاه شهرستان مشهد تقدیم و درخواست رسیدگی و صدور حکم را نموده شعبه سوم دادگاه شهرستان مشهد با انجام تشریفات قانونی رسیدگی و طبق حکم شماره ۳۰/۲۰۴ دعوی اداره دارائی را محکوم برد نموده نماینده قضائی دارائی با ابلاغ دادنامه پژوهشخواسته شعبه اول دادگاه استان نهم پس از تبادل لوائح و انجام تشریفات قانونی و مطالعه پرونده در جلسه فوق العاده اداری و کسب نظر دادیار استان و اعلام ختم دادرسی بشرح حکم شماره ۴۷۳/۲۲ - ۱۱/۱۲/۴۳ اعتراضات پژوهشی را مؤثر در مقام تشخیص نداده و اداره دارائی را نیز از شمول اطلاق مقررات مربوط بامور ورشکستگی مقتضی ندانسته و حکم پژوهشخواسته را خالی از اشکال تشخیص و تأیید نموده با ابلاغ دادنامه آقای محمد . . . نماینده قضائی دارائی در فرجه قانونی فرجامخواهی نموده شعبه ششم دیوان کشور بموجب حکم شماره ۱۴۴۱ - ۲/۷/۴۳ چنین رأی داده «اداره تصفیه با اداره دارائی نوشته که چون در خارج از موعد ادعای طلب شده است اداره تصفیه مجاز بر رسیدگی بموضوع نیست و باید به دادگاه مراجعه شود تا اگر طلب احراز گردیده جزء بستانکاران شمرده شود . اداره دارائی هم بدادگاه مراجعه نموده و دادگاه حسب ماده ۷۳۴ قانون تجارت و ماده ۳۵ و ۳۶ تصفیه امور ورشکستگی مکلف بوده که در موضوع اصل طلب اظهار رأی نماید نه آنکه اداره تصفیه محق در نپذیرفتن دعوای اداره دارائی بوده است یانه بنابراین حکم فرجامخواسته مخدوش است و شکسته میشود و رسیدگی مجدد با شعبه دیگر دادگاه استان نهم (مشهد) خواهد بود شعبه دوم دادگاه استان نهم پس از وصول پرونده و مطالعه آن و اعلام ختم دادرسی بشرح حکم شماره ۶/۱ - ۱۹/۷/۴۳ چنین رأی داده « خلاصه اعتراضات پژوهشخواه این است که شعبه سوم دادگاه شهرستان مشهد تقاضای اداره دارائی را در مورد منظور نمودن بهای خواسته در صورت بستانکاران آقای احمد . . . ورشکسته موجه ندانسته و رد نموده است رونوشت مصدق مدارک خود را پیوست

دادخواست پژوهشی نموده و تقاضای فسخ دادنامه صادره را کرده است. اعتراضات پژوهشخواه بعلل مزبور موجه نمیباشد اولاً طبق ماده ۴۴ قانون تصفیه امور ورشکستگی پس از آگهی منتشره از ناحیه اداره امور ورشکستگی که متضمن اخطار به بستانکاران نیز بوده است در صورت داشتن ادعا آنها در ظرف دو ماه بآداره تصفیه اعلام نموده و مدارك خود را بآن تسلیم نمایند و بموجب ماده ۴۵ همان قانون آگهی مذکور در روزنامه رسمی و روزنامه محلی نور ایران منتشر شده است و اداره دارائی که خود را جزء بستانکاران میدانسته در فرجه قانونی مدارك خود را دایر بر مطالباتیکه از احمد . . . از جهت مالیات داشته در دسترس اداره تصفیه امور ورشکستگی نگذاشته است و پس از فرجه قانونی بموجب نامه‌ای ادعای طلب خود را بآداره تصفیه اعلام نموده است و اداره تصفیه نیز باتوجه بمواد مذکور در فوق به پیشکاری دارائی استان نهم پاسخ داده است که چون در مهلت قانونی از طرف اداره ادعای طلبی نشده است این اداره نمیتواند مطالبه مبلغ مذکور را قبول نماید و ماده ۴۶ قانون مذکور نیز حکایت دارد در صورتیکه در ظرف مدت بیست روز از تاریخ انتشار آگهی کسی نسبت بآن اعتراض داشته باشد میتواند بداد گاه صادر کننده حکم توقف اقامه دعوی کند حال آنکه از ناحیه اداره دارائی دعوائی بشرح فوق الذکر نگردیده بلکه پژوهشخواه پس از انقضای قانونی تقاضا نموده است که اداره تصفیه آنها جزء بستانکاران منظور نماید و داد گاه شهرستان نیز باتوجه بمفاد مواد مذکور چون اعتراض اداره دارائی را وارد ندانسته آنها رد نموده و ماده ۴۳ و ۴۴ قانون تجارت اشعار دارد طلبکارهاییکه در مورد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۲ عمل نکرده‌اند و غیره حق هیچگونه اعتراضی ندارند و فقط در تقسیماتی که ممکن است بعمل آید جزء غرما محسوب میشوند و اداره پژوهشخواه نیز بموجب ماده ۴۲ همان قانون موظف و مکلف بوده است که در فرجه قانونی ادعای خود را دایر بطلب و مدارك لازم را در دسترس اداره تصفیه میگذاشت و باتوجه بقانون امور ورشکستگی مقرراتی که در مورد اعلام طلبکاران بآداره مذکور وضع گردیده اطلاق آن شامل کلیه افراد و اشخاص اعم از حقوقی و غیره میباشد بنا بدلائل مذکور و اینکه اداره دارائی از اطلاق و عموم مقررات مربوط بامور ورشکستگی استثناء نمیباشد اعتراضات پژوهشخواه موجه و مدلل نبوده و رأی پژوهشخواسته دایر بر رد تقاضای پژوهشخواه و از جهت منظور نشدن جزء بستانکاران

از نظر اینکه عذر سوجهی از ناحیه اداره پژوهشخواه افاده نگردیده خالی از اشکال بوده و نتیجه مؤید است رأی قابل رسیدگی فرجامی است «دادنامه دراول آذر ۳۱ و به نماینده قضائی دارائی ابلاغ و نامبرده دادخواست فرجامی خود را در ۱۰/۹/۳۱ و بدفتر دادگاه ها استان نهم تقدیم و نقض دادنامه را خواستار شده و ملخص اعتراض این است که دادگاه استان توجهی بدادنامه دیوان کشور نکرده و دادنامه بدوی را تأیید کرده و مقررات امور ورشکستگی را مطلق و شامل کلیه افراد و اشخاص اعم از حقوقی و غیره دانسته و دارائی را مستثنی نکرده استدلال مزبور با مقرراتیکه بعداً نسبت بقوانین مالیاتی وضع شده منطبق بنظر نرسیده و دادنامه مخدوش و نقض دادنامه را خواستار است پس از ابلاغ دادخواست فرجامی و وصول لایحه جوابیه اداره تصفیه مشهد پرونده بدفتر دیوان کشور ارسال و رسیدگی به شعبه ششم ارجاع شده است.

چون موضوع اصراری است بایستی در هیئت عمومی مطرح شود.

بتاریخ روز چهارشنبه بیست و نهم دیماه ۳۱ و جلسه هیئت عمومی به ریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای دکتر عبدالحسن علی آبادی دادستان کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان مزبور تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم پس از استماع بیانات جناب آقای دادستان کل مبنی بر نقض رأی فرجامخواسته مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهند.

رأی - اعتراض نماینده اداره دارائی بر دادنامه فرجامخواسته وارد است زیرا برحسب راهنمایی اداره تصفیه و ورشکستگی اداره دارائی بدادگاه شهرستان مراجعه و درخواست رسیدگی نموده تا در صورتیکه صحت ادعا بنظر دادگاه محرز گردید جزء بستانکاران محسوب شود و طبق دستور ماده ۷۳ و قانون تجارت و مواد ۳۵ و ۳۶ تصفیه امور ورشکستگی دادگاه شهرستان مکلف بوده که نسبت باصل مطلب اظهار نظر نماید چون دادنامه دادگاه شهرستان عیناً در مرحله پژوهشی استوار گردیده و دادنامه فرجامخواسته بجهات فوق الاشعار مخدوش است باتفاق آراء نقض و رسیدگی مجدد با شعبه دیگر دادگاه استان نهم خواهد بود.

* * *

ردیف ۱۸ هیئت عمومی

پرونده ۳ / ۳۷۸۰

فرجامخواهان آقا داود . . شرکت سهامی

فرجامخوانده شرکت سهامی

فرجامخواسته قرار رد درخواست مورخ ۱۴ / ۷ / ۴۳ صادر از شعبه ۱۱

دادگاه امتان مرکز.

تاریخ وصول دادخواست فرجاسی ۳ / ۹ / ۴۳

گزارش - شرکت سهامی . . . دادخواستی بهخواسته سه میلیون ریال وجه شش برگ سفته بطرفیت شرکت . . . و آقای داود . . . تقدیم دادگاه شهرستان تهران نموده و دادگاه پس از رسیدگی بدلائل حکم پرداخت خواسته و خسارت علیه خوانده بنحو تضامن صادر نموده وکیل خواندگان از این رأی پژوهشخواسته‌اند و دفتر شعبه ۱۱ دادگاه استان بوکیل نامبرده اخطاریه‌ای مبنی بر اینکه خواندگان بتضامن محکوم شده‌اند و هر یک باید به نسبت تمام محکوم به تمبرالصاق نماید و دادخواست از حیت ۲۰۰۰۲ ریال تمبر هزینه دادرسی و لایحه اعتراضی و رونوشت و کالتنامه و الصاق تمبر مالیاتی و تعیین محل مدیریت شرکت ناقص است و در صورت عدم تکمیل در ظرف پنج روز دادخواست رد خواهد شد ارسال نموده اخطاریه در ۲۱ / ۸ / ۴۳ ابلاغ و باستناد عدم رفع نواقص در فرجه قانون قرار رد دادخواست پژوهشی از طرف دادگاه صادر شده است وکیل پژوهشخواهان از این قرار فرجامخواسته‌اند و شعبه سوم دیوان عالی کشور مرجع رسیدگی فرجاسی چنین رأی داده « دادگاه استان باستناد اینکه چون هر یک از پژوهشخواهان نسبت بتمام خواسته محکومیت یافته و باید هزینه تمبر دادخواست پژوهشی را نسبت بتمام محکوم به هر یک از آنها بپردازد و نپرداخته است بصدور قرار فرجامخواسته دائر بر رد دادخواست پژوهشی مبادرت ورزیده در صورتیکه ماده ۶۸۳ قانون دادرسی مدنی مقرر داشته هزینه دادرسی به نسبت محکوم به حکم پژوهشخواسته است نه باعتبار افراد پژوهشخواه و همان طور که یکی از پژوهشخواهان اگر تمام محکوم به حکم پژوهشخواسته را در مورد محکومیت تضامنی

بپردازد ذمه پژوهشخواه دیگر بری میشود پرداخت یک هزینه دادرسی از طرف هر یک از پژوهش خواهان مزبور برای قبول دادخواست پژوهشی از حیث رفع نقص دادخواست پژوهشی کافی است و بنا براین اخطار پژوهشخواهان باینکه هر کدام از آنان پرداخت تمام هزینه دادرسی دادخواست مزبور ملزم هستند مطابق قانون نبوده و قرار فرجامخواسته که بر اساس این اخطار صادر گردیده قابل ابرام نیست و نقض میشود که همان شعبه یازدهم دادگاه استان مرکز اقدام قانونی را بنماید دادگاه در رسیدگی مجدد چنین رأی داده « استدلال دیوان عالی کشور بر نقض قرار دادگاه این است که همانطور که اگر یکی از پژوهشخواهان تمام محکوم به حکم پژوهشخواسته را در مورد محکومیت تضامنی بپردازد ذمه پژوهش خواه دیگر بری میشود پرداخت یک هزینه از طرف هر یک از پژوهشخواهان مزبور برای قبول دادخواست کافی است و حال آنکه هیچیک از پژوهشخواهان بابت هزینه دادرسی اشتغال ذمه ندارد و پرداخت هزینه دادرسی از قواعد آره است که قانوناً هر یک از پژوهشخواهان چون در قبال تمام محکوم به متضامناً مسئول پرداخت میباشد و بر طبق ماده ۶۳۳ قانون آئین دادرسی مدنی پژوهشخواه باید به نسبت محکوم به بمیزان مقرر تمبر الصاق نماید چنانکه اگر پژوهشخواهان بموجب دادخواستهای جداگانه پژوهشخواسته بودند هر یک از آنها ناگزیر بود بمیزان محکومیت خود که معادل تمام محکوم به است تمبر الصاق نماید و بدیهی است پژوهشخواهی آنان بموجب یک دادخواست حکم قضیه را تغییر نمیدهد. بنابراین بنظر این دادگاه اخطاریه رفع نقص صحیحاً صادر شده و بواسطه عدم پرداخت هزینه دادرسی از ناحیه پژوهشخواهان دادخواست پژوهشی مردود است مضافاً باینکه در خصوص مورد پژوهش خواهان حتی همان مقدار از هزینه دادرسی را هم که بزعم خودشان میبایستی پرداخته باشند نپرداخته اند لذا بهر تقدیر دادخواست قابل رد است بنابراین مستنداً بماده ۶۹۶ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد دادخواست پژوهشی صادر و اعلام میگردد . . . «آقای . . . وکیل فرجامخواهان از این قرار فرجامخواسته و بخلاصله چنین ایراد نموده که دادگاه بایرادهای قانونی اینجانب و همچنین رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور و آراء متعددی که از شعب ۵ و ۶ و ۱ دیوان کشور در موارد مشابه صادر شده توجهی ننموده و با استدلال نادرستی قرار فرجامخواسته را صادر نموده است بمجرد تقدیم

دادخواست بمراجع قانونی ذمه تقدیم کننده دادخواست بصندوق دولت مشغول میگردد و اگر دادخواست دهنده بتعهد خود عمل نکرد دادخواست او مردود تلقی میشود آقای . . . وکیل فرجامخوانده ابرام قرار را خواستار است .

چون قرار فرجامخواسته بطور اصراری صادر گردیده و رسیدگی بان در صلاحیت هیئت عمومی دیوان کشور است پرونده بان هیئت فرستاده میشود .

بتاریخ چهارشنبه بیست و نهم دیماه ۱۳۴۴ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای سروری رئیس کل دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی دادستان کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان مزبور تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم و استماع بیانات جناب آقای دادستان کل مبنی بر نقض رأی فرجامخواسته مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهند :

دادگاه استان باستناد اینکه هر یک از پژوهشخواهان در قبال تمام محکوم به متضامناً مسئول پرداخت هزینه دادرسی میباشد اخطاریه دفتر دادگاه استان را باینکه هر یک از پژوهشخواهان باید تمام هزینه دادرسی را بدهد صحیح دانسته و بصدور قرار رد دادخواست پژوهشی مبادرت ورزیده در صورتیکه دادگاه مزبور باستناد ماده ۶۸۳ قانون دادرسی مدنی قرار فرجامخواسته را صادر کرده و ماده مزبور نه منطوقاً و نه مفهوماً دلالت دارد که از یک محکوم به هر چند بطور تضامن باشد چند هزینه دادرسی گرفته شود . بنابراین اخطاریه مزبور مطابق قانون نبوده و قرار فرجامخواسته که باستناد اخطاریه مزبور صادر گردیده قابل ابرام نیست و نقض میشود . و رسیدگی بهمان شعبه ۱۱ دادگاه استان مرکز محول است .

بخشنامه

مربوط به تمبر و کالتنامه در شعبات بازپرسی

اداره حقوقی

۱۳۴۴/۱۰/۲۳ - ۷/۵۶۵۳

بخشنامه بکلیه دادسراها و دادگاههای بخش مستقل

نظر باینکه در خصوص تمبر و کالتنامه آقایان و کلاء دادگستری که در شعبات بازپرسی اقدام بوکالت مینمایند مشکلاتی مشاهده شده است مراتب زیر را لزوماً یاد آور میشود.

در قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۳۵ (بند ۲ ماده ۷) میزان مالیات و کلاهی دادگستری تعیین شده است و بموجب آن مالیات بر درآمد و کلاهی دادگستری در دعاوی کیفری مطروحه در دادگاه جنحه و جنائی و دیوان کیفر معین گردید ولی قانون مزبور نسبت به امور مطروحه در شعب بازپرسی ساکت است و چون حسب استفاد از اصل ۴۹ متمم قانون اساسی قوانین مالیاتی را نمیتوان تعمیم داد و تفسیر وسیع نمود و قانون مالیات بر درآمد نیز بشرح قسمت الف و ب و ج بند ۳ ماده ۷ فقط اخذ مالیات را از حق الوکاله و کیل برای وکالت در دادگاهها و کمیسیونها و مراجع مالیاتی و هیئت های نظیر آن پیش بینی کرده است و دادسرا و شعب بازپرسی هیچیک از مراجع مذکور نیست لذا مطالبه مالیات حق الوکاله و کیل در دادسرا و شعب بازپرسی بدون مجوز قانونی است و با مانع اصولی فوق مواجه میباشد.

وزیردادگستری - باقر عاملی